

پدرِ سرگی

لِف تالستوی

ترجمہ مہناز صدیقی



انتشارات وال



انتشارات دول

تهران، کد پستی: ۱۷۱۵۶۶۲۶۹۳
تلفن دفتر انتشارات و مرکز پخش: ۰۲۱۳۳۳۱۵۰۳۸

www.whale-pub.com

عنوان اصلی

Лев Толстой, Отец Сергей (1890-1898 гг.), том 31,
Государственное издательство художественной литературы,
Москва, 1954

چاپ اول ترجمه فارسی، نشر نسیم دانش، ۱۳۸۶

پدر میرگی

لف تالستوی

ترجمه: (از روسی) مهناز صدری

بیراسته تحریری و ال

مجموعه ادبیات / دیب / مجموعه: احمد جاوید

مدیر هنری: محمد باقر جاوید / مدیر ادبی: احمد جاوید / استودیو جاوید

ناشر: انتشارات دول و ال

چاپ اول: ۱۴۰۳، دوم: ۱۴۰۳

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۷۸-۶۲۲-۹۰۱۵۲-۷-۸

تالستوی، لِف، ۱۸۲۸-۱۹۱۰؛ صدری، مهناز، ۱۳۲۸-، مترجم

موضوع: داستان های روسی، قرن ۱۹ م. / مشخصات ظاهری: ۱۱۸ ص.

رده بندی کنگره: PG۳۳۲۹ / رده بندی دیویی: ۸۹۱/۷۳۲

شماره کتاب شناسی ملی: ۹۶۰۱۰۰۲

© تمام حقوق این اثر برای انتشارات دول محفوظ است. هرگونه استفاده تجاری از این اثر یا تکثیر آن به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

یادداشت مترجم

می‌گویند که دو خداست، یکی خالق خیر و یکی خالق شر اکنون تو بنما خیر بی شر تا ما مقرر شویم که خدای شر هست و خدای خیر و این محال است زیرا که خیر از شر جدا نیست. چون خیر و شر دو استند میان ایشان جدایی نیست.

— مولانا، فیه مافیه، باب پنجاه و هشتم

گراف^۱ لِف نیکالایویچ تالستوی^۲ در ۱۸۲۸ چشم به جهان گشود تا با خلق آثار جاودانه و جهانگیر، رسالت پیامبرگونه خویش را به انجام رساند. ماکسیم گورکی^۳ درباره او گفته است: «او یک انسان معمولی نیست، بلکه نمادی است، عظیم از قدرت عقل و عظمت روح.»

لِف تالستوی چهارمین فرزند یک خانواده بزرگ اشرافی بود. مادرش شاهزاده خانم والکنسکایا^۴ از خویشاوندان دور

۱. گراف از القاب روسیه تزاری و معادل کنت است.

2. Lev Nikolayevich Tolstoy

3. Maksim Gorky (1868-1936)

4. Volkonskaya

۶ پدر سرگی

پوشکین^۱ و پدرش گراف نیکالای ایلیچ تالستوی^۲ از افراد تحصیل کرده زمان خود و سرهنگ ارتش بود. تالستوی هنوز دوسالگی را به پایان نرسانده بود که از داشتن مادر محروم گشت. پس از درگذشت مادر خانواده تربیت فرزندان را بانو پیرگلشکایا^۳ که از خویشاوندان دور آنان بود برعهده گرفت. این بانوی خردمند بر کودکی لِف تأثیر عمیق و مثبتی گذاشت به طوری که تالستوی در تمام مدت زندگی خود از این بانو به نیایش و احترام یاد کرده است: «او مرا با لذت معنوی عشق آشنا کرد».

در ۱۸۳۷، زمانی که لِف تنها نه سال داشت، پدر خانواده نیز درگذشت. پس از آن سیرستی خانواده را بانو یوشکوا^۴ — عمه تالستوی — که در کازان می زیست برعهده گرفت. تالستوی تحصیلات ابتدایی را همان طور که در خانواده های اشرافی و ثروتمند آن دوران مرسوم بود، در خانه و زیر نظر معلمین و مربیانی که اکثر آنان خدای بودند فراگرفت. وی در شانزده سالگی (۱۸۴۴) وارد دانشگاه کازان شد و در ابتدا در رشته زبان های شرقی و سپس با تغییر رشته، در دانشکده حقوق همان دانشگاه به ادامه تحصیل پرداخت. تالستوی نیز همانند دیگر نوابغ جهان که دارای استعداد و نبوغ

1. Alexander Pushkin (1799-1837)

2. Nikolai Ilyich Tolstoy

3. Yergolskaya

4. Ushkova

الهی هستند و ذهنی جوینده و تفکری پویا دارند، تحصیل در دانشگاه را تاب نیاورد و در بهار ۱۸۴۷ به یاسنایا پالیانا^۱ — ملکی که در آن زاده و سپس وارث آن شده بود — بازگشت و خود به آموزش خویش پرداخت و به مطالعه حقوق، پزشکی، جغرافیا، تاریخ، ریاضیات، کشاورزی، زبان و... مشغول شد. تالستوی همچنین به هنر، به خصوص به نقاشی و موسیقی علاقه فراوان داشت: «در میان هنرها موسیقی را از همه بیشتر دوست می‌دارم. برای من دشوارترین کار، به دور ماندن از موسیقی و احساس است که از شنیدن آن به من دست می‌دهد.»

آشنایی با چایکوفسکی^۲ آنگساز مشهور روس، یکی از رویدادهای جالب زندگی تالستوی بود. تالستوی در ۱۸۵۱ به همراه برادر ارشد خود، نیکی^۳ — که افسر ارتش بود، به قفقاز رفت و در ابتدا داوطلبانه سپس رسماً به ارتش پیوست. در آنجا او مجذوب طبیعت غنی و زیبای بکر قفقاز و همچنین زندگی ساده قزاق‌ها شد. نخستین داستان تالستوی به نام کودکی^۴ که اولین قسمت از زندگی‌نامه او بود، در ۱۸۵۲ — سال درگذشت گوگول^۵، نویسنده توانای روس —

1. Yasnaya Polyana

2. Pyotr Ilyich Tchaikovsky (1840-1893)

3. *Childhood (Détstvo)*

4. Nikolai Gogol (1809-1852)

در مجله ساورمننیک^۱ با امضای "ل. ن." به چاپ رسید. دو سال بعد نوجوانی^۲ - قسمت دوم این اثر سه گانه - نیز در همان مجله منتشر شد. تورگنیف^۳، نویسنده بزرگ روس، در نامه ای خطاب به یکی از دوستانش می نویسد: «در شماره ۱۰ مجله ساورمننیک می توانید داستان دیگری از نویسنده کودکی بخوانید. اثری که تمام آثار ما در مقایسه با آن تنها یک باوه سرایی است. او جانشین گوگول است، در حالی که هیچ کس شباهتی هم با او ندارد.»^۴ جوانی^۵ سومین قسمت این زندگی نامه سه گانه است که در ۱۸۵۷ به چاپ رسید.

تالستوی در ۱۸۵۴ از ارتش استعفا داد و سال بعد به خارج از کشور، سارت را از کشورهای فرانسه، سوئیس، ایتالیا و آلمان دیدن کرد. او پس از بازگشت به یاسنایا پالیانا رفت و در ۱۸۵۹ در آنجا مدرسه ای برای فرزندان دهقانان تأسیس کرد و تدریس در آن را خود برعهده گرفت. تالستوی معتقد بود که برای رهایی از فقر و بدبختی باید به اعاده سواد و علم در میان مردم پرداخت. به همت او بیش از بیست مدرسه در آن نواحی تأسیس شد. تالستوی در ۱۸۶۰ برای بار دوم راهی

1. *Sovremennik*2. *Boyhood (Otrochestvo)*3. *Ivan Turgenev (1818-1883)*4. *И. С. Тургенев. Полн. собр. соч. и писем. Письма, т. II. М., Изд-во АН СССР, 1961, с. 241.*5. *Youth (Yunost)*

اروپا شد تا با نظام آموزشی کشورهای اروپایی آشنا شود ولی هیچ‌کدام از آن روش‌ها را با عقاید خود هماهنگ نیافت. او عقیده داشت که آموزش نباید بر پایهٔ تحکم و اجبار انجام پذیرد، بلکه دانش‌آموز باید در آزادی و آرامش به آموختن بپردازد. به عقیدهٔ تالستوی پیشرفت اجتماعی تنها از طریق متعالی شدن موازین اخلاقی مردم آن اجتماع امکان‌پذیر است و نیز با برگزیده فساد اجتماعی تنها می‌توان با تعلیم و راهنمایی مبارزه کرد نه با زور و قدرت.

تالستوی در سپتامبر ۱۸۶۲ در سی و چهار سالگی با سوفیا آندریونا بئرس^۱، دختر محله، سالهٔ یک پزشک اهل مسکو، ازدواج کرد و بلافاصله با همسرش از مسکو به یاسنایا پالیانا رفت و تمام کوشش خود را معطوف به زندگی خانوادگی و امور کشاورزی کرد. در پاییز ۱۸۶۳ ایدهٔ نگارش رمان جنگ و صلح تمامی افکار او را به خود مشغول ساخت. این شاهکار بزرگ ادبی جهان در طلایی‌ترین دوران زندگی تالستوی، یعنی زمانی که نویسنده در اوج سعادت خانوادگی می‌زیست و راز کاری که او را با طبیعت مرتبط ساخته بود لذت می‌برد، پدید آمد. تالستوی در ۱۸۶۹ نگارش این اثر جاودانه را که دربارهٔ جنگ میهنی مردم روسیه با ارتش ناپلئون بود، به پایان رساند.

1. Sofia Andreyevna Bers (1844-1919)

گانچاژف^۱ پس از مطالعهٔ رمان تاریخی جنگ و صلح نویسندهٔ آن را "شیر" ادبیات روسی^۲ نامید.

آنا کارنینا^۳ (۱۸۷۷-۱۸۷۳) دومین اثر بزرگ تالستوی است که در آن نویسنده به مسائل اجتماع هم عصر و هم طبقهٔ خود می پردازد. داستایفسکی^۴ که با خواندن فصل های ششم و هفتم این رمان به وجد آمده بود تالستوی را "خداوند هنر" می نامد و در یادداشت های یک نویسنده^۵ (۱۸۷۷) می نویسد: ... آن ان هایی مثل نویسندهٔ آنا کارنینا معلمان واقعی اجتماع هستند و اینط شاگردان آنان هستیم."

رمان های جنگ و صلح و آنا کارنینا تالستوی را نه تنها در اروپا بلکه در تمام دنیا به شهرت و افتخار رساند.

تالستوی در اواخر سال های دههٔ ۱۸۷۰ و اوایل دههٔ ۱۸۸۰ دستخوش دگرگونی روحی و یاس فلسفی ناشی از درک واقع گرایانه از زندگی طبقهٔ اشراف - طبقه ای که در آن زاده و بزرگ شده بود - می گردد که پیش در آتش را می توان در قسمت های پایانی رمان آنا کارنینا مشاهده کرد. این دگرگونی،

1. Ivan Goncharov (1812-1891)

۲. شیر در روسی "لیف" است که نام کوچک تالستوی هم است.

3. Anna Karenina

4. Fyodor Dostoevsky (1821-1881)

5. A Writer's Diary (Dnevnik pisatelya)

6. Ф. М. Достоевский. Полн. собр. художественных произведений, т.

ХІІ. Л., ГИЗ, 1930, с. 209.

نگرش تالستوی را به زندگی به طور اساسی متحول ساخت. تالستوی در اعترافات^۱ که به سبب سانسور، ابتدا در ژنو (۱۸۸۴) و سپس در روسیه (۱۹۰۶) به چاپ رسید، به روشنی به این تحول اشاره می‌کند: «(من) از زندگی مردمان طبقه خود یعنی ثروتمندان و روشنفکران نه تنها بیزارم، بلکه آن را تهی از هرگونه معنا می‌یابم. تمام رفتارها، تفکرات، قضاوت‌های ما و همچنین هنر و هنرمان دیگر برای من بی‌ارزش‌اند. آنها برخاسته از یک زندگی مرفه و زاییده ناپروردگی‌اند، در آنها نمی‌توان حقیقتی را جست‌وجو کرد.»

تالستوی با نفی هرآنچه که تا آن زمان نوشته بود، به خلق آثاری پرداخت که در آن سعی در یافتن قانون اخلاقی جدیدی کرد تا موجب رستگاری انسان شود. پدر سرگی^۲ یکی از این آثار است.

تالستوی پدر سرگی را به دو روایت نوشته است: روایت اول را در سال‌های ۱۸۹۰-۱۸۹۱ و روایت دوم را در ۱۸۹۸. وی در فوریه ۱۸۹۰ قبل از به‌تحریر درآوردن این اثر به صومعه رفت و مدتی را در آنجا به سر آورد تا خود از نزدیک با زندگی راهبان و کشیشان آشنا شود. تالستوی در روایت اول با نگاهی گذرا به ترسیم زندگی کاساتشکی می‌پردازد و داستان

1. Confession (Ispoved)

2. Father Sergius (Otets Sergiy)

را با آمدن مسافران شبانه به نزد پدر سرگی به پایان می‌رساند، ولی در اکتبر همان سال در یادداشت‌های روزانه خود چنین می‌نویسد: «باید دربارهٔ هرآنچه که در روح کاساتشکی گذشته است، دربارهٔ آنکه چرا و چگونه راهب شد، دربارهٔ غرور و تکبر بیش از حدش، شهرت پرستی و کمال‌گرایی‌اش شرح داده شود» (ج. ۵۱، ص. ۹۸).

در اوایل ۱۸۹۱ تالستوی به این نتیجه رسید که مبارزه با وسوسه‌های شهوانی — تفکری که در ابتدا به خاطرش راه یافته بود — نمی‌تواند محور اصلی داستان قرار گیرد: «مبارزه با شهوات جز مانند تنها می‌تواند یک موضوع یا شاید مرحله‌ای از داستان باشد، مبارزه اصلی، مبارزه با شهوت شهرت‌طلبی و نام‌آوری است» (ج. ۱۷، ص. ۷۱).

تالستوی در زمان تحریر پدر سرگی به روایت دوم، مهم‌ترین دیدگاه خود را دربارهٔ قهرمان اصلی داستان چنین ابراز می‌کند: «او معنای واقعی توکل بر خداوند و تنها به او امید داشتن را فقط زمانی تجربه کرد که دیگر در چشم مردم کاملاً خوار و پست شده بود. تنها آن موقع بود که توانست نسبت به نظر و قضاوت و رفتار دیگران به خود کاملاً بی‌تفاوت بماند، او را دستگیر کردند، بازجویی کردند، محکوم کردند، نجاتش دادند ولی او در مقابل تمامی این رفتارها آرام و بی‌تفاوت باقی ماند، زیرا که به خداوند پناه برده بود» (ج. ۵۲، ص. ۳۹).

تالستوی در پدر سرگی دو وضعیت را در تقابل با یکدیگر قرار می‌دهد: یکی دل‌باختن به نام و شهرت و به دنبال آن رفتن که پیامدش اضطراب است و دل‌نگرانی، و دیگری توکل و توسل بر خداوند و همراه شدن با خواست و اراده الهی که آرامش‌بخش آرامشی است واقعی. این تفکر محور اصلی در روایت پدر سرگی قرار گرفت. تالستوی در یادداشت‌های روزانه خود، ۱۷ ژوئن ۱۸۸۸، نگرش نهایی خود را درباره این اثر چنین توضیح می‌دهد: «همراهی بزرگی است زیستن برای مقاصد دنیوی. نه آن‌کس که اهداف دنیوی در میان مردم زندگی می‌کند و نه آن‌کس که با اهداف روحانی در انزوا و به دور از مردم به سر می‌برد، هیچ‌کدام به ادامه دست نخواهند یافت. آرامش واقعی از آن کسی است که برای خدمت به خداوند در میان مردم و با مردم زندگی می‌کند» (ج. ۳، ص. ۲۰۴).

پدر سرگی به روایت دوم در ۱۹۱۱ پس از درگذشت تالستوی به چاپ رسید.^۱ درود و سلام ابدی بر او باد. اشراف‌زاده و بزرگ‌مالکی که غذای ساده می‌خورد، لباس دهقانان را می‌پوشید، با آنان در دامن طبیعت پاک و بی‌ریای خداوند می‌زیست و در کنار آنان بذر عشق و محبت و افکار

1. П. Буланже, «Отец Сергей». Примечания к «Посмертным художественным произведениям» Л. Н. Толстого под редакцией В. Черткова, т. II, М. 1911, стр. 233-236.

والای انسانی می‌کاشت. بزرگمردی که تابوتش بر دوش مردمان ساده و دهقانان حمل شد؛ مردمانی که به خاطر همدردی و همرنگی با آنان از دارایی اندوخته از کوشش‌های ادبی خود به نفع آنان چشم‌پوشی و در هشتاد و دو سالگی خانه و زندگی خویش را در یک شب سرد پاییزی پنهانی ترک کرد، تا از تنش و بحرانی که به این سبب در خانواده به وجود آمده بود دور بماند، ولم به ملت، بیماری و کهولت سن در یک ایستگاه کوچک قطار که اکنون به یاد او به نام او خوانده می‌شود - در خانه رئیس ایستگاه - هم از جهان فرو می‌بندد، درحالی که دنیا او را نه فقط به عنوان یکی نویسنده توانا بلکه به عنوان معلم اخلاقی که عقیده داشت «عبادت به جز خدمت به خلق نیست» می‌شناخت و دوست می‌داشت.

در خاتمه لازم می‌دانم از دست فزانه‌ام سرکار خانم مهری برادری که متن ترجمه را مطالعه و تأثیر ظریف و مهم را به اینجانب گوشزد فرمودند، قدردانی نمایم.

مهناز صدری

تهران، زمستان ۱۳۸۵